

نزد خلق

نامه ملی ادبی - اجتماعی و سیاسی

شماره نهم

سال اول

یکشنبه ۹ ثور ۱۳۳۰

معنی آزادی در حکومت خلق؟؟

آزادی عبارت از متابعت قوانین و بقیود و مقررات پایمند بودن و حسن مسئولیت اجتماعی را در خود تربیه نمودن است - آزادی مصادف و حش و بهره‌ریت نیست - دریک حکومت دیموکراسی راحت و سعادت وجود داشته - هر کس در بیان تشریفات عقاید و آمال و تشکیلات ازاد سیاسی ازاد است ولی تا جائیکه مصل و مانع آزادی دیگران نگردد - و هر کس مجبور است مسئولیت خود را در جامعه احساس و قیود و مقررات آن را احترام کند - آزادی وحشیانه در حقیقت دریک حکومت استبدادی وجود ندارد - زیرا حاکم ازاد است که حسب میل و اراده خود با مقررات مردم بازی کرده و هر حقوق آن‌ها را ازاد و فصال ما میرسد است که حیات و ممال و همه چیز مردم را با حرکت دو لب خود تصمین نماید - ازاد و مختار است که هر کرا بخراهد حد حیس کرده - کشته - مال و جاهش را بتاراج برده و اطفال صغیر و بن گناهش را بدار بزند - مردم هر درین طرز اداره ازاد اند که اطاعت کند یا عصیان - بخلق احترام نماید و یا بی احترامی - آمرین خویش را صیانت کنند و یا قتل - این‌ها حقایقی اند که کتاب هیت ماضی باکمال وضاحت آن را بمانشان داده و هزاران امثله درخشان آن را قیاد کرده است - دریک حکومت استبدادی هر چیز بازو و تحکم اجرا شده هر لبها مهر سکوت بوده و جریان امور بضع چند نفر خد مت میکند - خلق هم ظالم مطیع و متقاند - اطاعت کار و فدائی - متملق و چاپلوس بوده و با مداخله و بی تفاق - دروغبانی - چال و نیرنگ روز خود را گذرانیده و جان و مال خود را صیانت میکنند - ولی این ظاهر ارام نمایشی و غیر حقیقی بوده و هنگام فرصت طرفان‌های شدید در هر گوشه و کنار مملکت تولید شده - تر و خشک را با وحشت سوخته و انتقام مظالم را از کوفتی و باغ و باغچه و هر که اتفاقاً بدستشان برسد می کشند - تاریخ بشه هزاران امثله این طرز اداره را نشان داده و ما هم همه شاهد این درام‌های تنگین بوده ایم - ولی بقیه در صفحه ۴

شاغلی سید احمد خان فراق از

کاپیسا

انتخاب وکلا کاپیسا در شورای ملی قانونی نمیشد

از بدو وجود آمدن پارلمان در وطن ماتاکون انتخابات

وکلا کاپیسا قانونی نبرده و هر شخص که زور و وسیله داشت

و لو جاهل محض هم باشد میتواند وکیل شورا شود - شاید

خواننده گان محترم تصدیق خواهند کرد که چرا سرزمین

عریض و پهناور کاپیسا مبتلا بقحط الرجال است - حقیقت

آنطور نیست و کاپیسا امروز فرزند آن کشور - فکور - لایق و

برجسته را مالک و در هر گوشه و کنار مردانی وجود

دارد که نیروی معنوی آن‌ها کثیر از رجال دیگر حصص -

مملکت نیست - اما مقامات با وصف آن هم از چندین

سال باین طرف مردم کاپیسا بفرق با انتخاب و ارسال یک وکیل

قانونی در شورای ملی نشده اند - علت ناکامی مادر انتخاب

وکلا تنها عبارت ازین است که قسمت اعظم محیط کاپیسا

برده و اشخاص و استفاده جو دو بین آن‌ها تفرقه -

مادیات بیستی خود را قایم و نمیکند که رای گیری به

صورت ازادانه اجرا گردد - کذا ما از کدام قانون انتخابات

اساسی و اصول انتخابات وکلا هم معلومات نداریم - بده

بمحیت یکفر وطن دوست کاپیسا بحال اسف ناک و وقت آور

قوم خود تاسف نموده و جدا از دولت بپه‌خواه و پارلمان

مملکت خود خواهش میکنم تا در دوره هشتم انتخابات وکلا

کاپیسا به مجلاها و طوابع‌های جعلی اشخاص بیسواد ترتیب

اثر نداده و هم تا آن زمان یک قانون اساسی انتخابات به

دسترس مردم بگذارند تا خلق باین ازادانه وکلا ی خویش

را انتخاب کنند (حقیقتاً ما دارای یک قانون اساسی -

انتخابات نموده و از طرف دیگر مردم هم تازه بروشهای -

دیموکراسی آگاه شده اند پس فرضا سیاسی دولت و شورای

ملی تدوین قانون صحیح انتخابات بوده و باید بمردم

حق دهند که آن‌ها ازادانه نمایندگان حقیقی خویش را

انتخاب و برای درد‌های جانکاه و لا یتناهی خود چاره اساسی بسنجند

پاسخ بمکتوب شاعلی غلام حضرت خان وکیل کا پیسا :
 طوریکه اداره اطلاع گرفته است در روز تصویب قانون مطبوعات که نظر به بیانیه متخصصین قانون یکی ما هیئت قانون مطبوعات نداشته و بلکه بیشتر مشابه قانون جزا است و کیل کا بل دکور محمودی بیانیه ایراد و اظهار نموده بود که این قانون چندین سال قبل نظر بایجابات و شرایط همان زمان تدوین شده و نمیتواند برای پیشبرد امارت ما مخصوصا ادعای دیو کراسی خدمتی نماید - چنانچه پانچ ان در تصویب قانون مذکور نیز امضاء نکرده و همعده از مطبوعات کشور مثل نامه انگارو مجله اقتصاد تنقیدات مفصلی در مورد قانون مذکور نموده اند منجمله سر مقاله مجله اقتصاد که جمعی قبل نشر شده است و بقلم شیوای شاعلی محترم مصوبی متخصص حقوق تحریر شده خیلی جالب است وقت بوده و مادر شماره ۰ آتی مفصلا ان را نشر مینمائیم - ما بارها گفته ایم و باز میگوئیم که قانون مطبوعات کنونی ما دارای نواقص زیادی بوده و از طرف متخصصین قانون تصویب و تدوین نشده و با تمام قوانین سایر ممالک دیو کراسی مغایر و مخالف است - اساسا تنقید بقانون - تو همین بملک و نمایندگانی که ملت نموده و فقط برای اصلاح حال جامعه و به وجود آمدن یک اصول اساسی ترو مفید تری است -

پاره از گفته های مردم :

محترمه حفیظه حیات که اداره نداء خلق مدیون عرضشکری باو شان است می نویسد که شاعلی رئیس امنیتیه با داشتن مقام عالی خویش با تو بستنده مقاله آواز اتحادیه محصلین منتشره در نامه انگارو وضع بسیار شایسته نموده اند - خاتم محترمه مراتب امتنان خود را باین وسیله تقدیم مینماید (ما از تمجیب خاتم محترمه ملتفت راز شده و عرض مینمائیم که در یک حکومت خلق مامورین رسمی از خورد و بزرگ همه خادم خلق اند و باید در مقابل هر کس وضع شایسته نمایند مخصوصا رئیس امنیتیه و پولیس که در همه جهان خادم راحت و سعادت خلق حساب میشوند - امید است بعد ازین همه مامورین او ضاع حاکمانه ... را ترک و بحق خود و خلق آشنا گردند - همه کس را احترام کنند و هم باین وسیله دیگران را نیز جلب نمایند)

خبر های اوانس دلخک : شاعلی غنیسان نویسنده مقاله زمره خلق قرار اطلاع اوانس دلخک به - جس بدون محاکمه محکوم گردیده است (این است روش دیو کراسی ما)

شاعلی حمایت اله خان

آرزوی جوانان

جای بسیار خوشی است که پس از قرن ها مرحله رسیده ایم که میتوانیم اقلا چیزی بگوئیم و یا چیزی بنویسیم - گفتن و نوشتن ما برای اصلاح مفاصل ما و یا فتن چاره و علاجی برای درد های جانکاه ما است - اما دشمنان ما نباید ازین گفته های ما استفاده سوء نمایند زیرا ما همیشه در تاریخ همه وقت در مقابل دشمنان خود پیش متحد و هم آهنگ مینمائیم - ما بد دشمنان خاک خود بجا سدان ترقی و بد بینان پیشرفت و مخالفین وحدت ملی خود بنظر نفرت می بینیم و خا طرنشان مینمائیم که جوان افغان خائن - هنگامه جو و مخل امنیت و وطن فروخته نموده و نمیتواند بساز دیگران بر قصد - محروک و سابق جوانان افغان ارزوی پاک و بی الایشی است که برای سعادت و ارتقای خاک خود در دل می پروراند - ما از صمیم قلب خواهان دیو کراسی بوده و در مقابل دشمنان ملی خود و احقاق حق برادران پشتون خود نیز تا دریای سند مرد وار به پهلوی شاه جوان خود استاده و بصدای بلند میگوئیم که حتی ما برای این مبارزه ملی خود بخندنا کردن جان های خود نیز حاضریم - درست است ما از کاروان بد نیت عقب مانده ایم و تازه بحقوق خود آشنا گشته ایم و مرد وار در مقابل هر گونه موانع برای حق خود مبارزه می کنیم - اما این مبارزه ما بحقوق برادران پشتونستانی ما و یا صدای دشمنان ملی ما ربطی نداشته و ملت افغان با این مخالطه منطقی که از دستگاه نشراتی استعمار برونود دشمنان کهنه کار افغانستان منشاء گرفته است هیچگاه فریب نمیخورند -

شاعلی آینه

چند قرن بعد ؟؟؟

واریس و تقویه بهره های چرخ دولت از طرف جوان های هرگی پیشقدمی در اصلاحات بر علاوه اصلاحات - اتحاد شکل در پو شک و از بین رفتن روش پو قلمونی - همکاری و اتفاق نظر برنا و پیر - آسوده گی از سودای تن و شکم - نجات از مجالس بی نتیجه - صواب گردیدن خطا بر بزرگان گرفتن ... (۰) ندا که حین ترکیب با (خلق) در اضافت واقع و بطریق قواعد باید به (ی) تبدیل گردد به (۰) ندای خلق تصحیح الف خواهد شد (عده از علما مخصوصا مولانای محترم فضل رحمانی مخالف این عقیده بوده و ما باین مشوره شان در عرض (ی) ندا را در حال اضافت نیز به (۰) نوشته ایم - چه آنها معتقدند که الف تابع قانون مذکور بوده ولی (۰) در اضافت فقط با قبول کسره بحال خود باقی مینماید (۰)

شاعلی محمد ابراهیم خلیل
 شد بهاران و به بلبل همنوائی میکنم
 در چمن چون آبهاران تر صدائی میکنم
 درد دل را با زبان شمر میسازم همان
 هم بسبک تازه طبع آزمائی میکنم
 چون مقامات بلند و خانه های شهر جو
 از هدر رفتن دانشور جدائی میکنم
 همچو موترها و مانند معاشات دمسار
 بصد ازین با چای ساز آشنائی میکنم
 زر بهر صورت بدست ارم کتم در میانک جمع
 سود خوری در لباس هارسائی میکنم
 دعوی حب و طغخواهی و ملت پروری
 پیش هر نا اهل و اهل از خود نمائی میکنم
 زهر دارم در زدها اما بظاهر همچو مار
 خاکساری پیشه از بیدست و بسائی میکنم
 میکنم بیدار ملت را بمضرب قاسم
 تا به پنداری که من مایه صرائی میکنم
 معتقد بر من نباشی زانکه مانند خلیل
 "گرمنازی میکنم گاهی و بائی میکنم"

خواهش

از نو بنده گان مجله مقاله و مضامین خود بفرستید و جهت نشر باین نامه میفرستند خواهش نمود است آن را با تحریر اسم و آدرس مکمل خود بفرستند و الا مقاله و مضامین شان از نشر باز خواهد ماند (اداره)

شرح اشتراك

- کابل : ۴۰ افغانی سالانه
- ولایت : ۴۵ " " "
- خارج : ۵ دالر " " "
- قیمت يك شماره ۰۰۵ پول

بقیه سر مقاله
 ولی اکنون ما مجبوریم خوف و دشت - ریا و چاپلوسی
 چال و تیرنگ - فریبکاری - رشوت دهنی و رشوت ستانی
 و سایر مفاسد اخلاقی خود را که همه زاده استبداد اند
 ترک گفته و حسن احترام قانون و مسئولیت اجتماعی را که در
 وجود ما توسط استبداد کشته شده است بیدار ساخته
 و یکبار بخود تکان داده و بدانهم که اگر ما از همه کس کار
 فعالیت - صداقت - راست کاری و فدا کاری آرزو میکنیم
 ما هم مسئولیتی داشته و مجبوریم فراموش و واجبات خود
 را در مقابل جامعه عملی سازیم - ما مجبوریم همان طوری
 که طالب احترام و عزت نفس خود میباشیم دیگران را نیز
 احترام نموده و بمعزت النفس شیان صدمه نزنیم - ما
 مجبوریم همان قسمی که طالب حقوق و آزادی خود میباشیم
 آزادی و حقوق دیگران نیز تجارز نشانیم - ما مجبوریم
 وظایف و واجبات خود را در مقابل جامعه - قانون و
 حق احساس کرده و این را هم بدانیم که در یک حکومت
 دیم کراس مبارزه برای دفاع از حق نیز فرضما است -
 ما مجبوریم با اساس قوانین جاریه بحقوق خود آشنا شده
 و در هر جا بمقابل حق خود بی فشاری کرده و بهر کس
 بفرمائیم که ما دیگر هر شیار شده ایم و نمیشود به سهولت
 ما را فریب داد در یک حکومت دیم کراس مبارزه برای حق
 و مرام خود فقط از راه قانون و مقاومت و ثبات ممکن بوده
 و هیچگاه نباید با زور و تشدد مراجعه کرد - (محمودی)

برای تحصیل يك لقبه تان ؟؟

میگویند شیری از آن طرف دریا که قهله کوچی در کنار آن
 افتاده بود میگشت سگ قهله ازین کنار رودها يك عالم
 شور و غوغا خاکباد و عوغو نموده و در مقابل شیر حمله و جست
 و خیز آغاز کرد - شیر با تعجب بوی گفت که رفیق اگر دریا
 در بین نباشد میدانی که با يك سر انگشت خود کارت را
 میسازم !!! سگ آهسته (برای اینکه صاحبش نشنود)
 بخاک باد و عوغو خود میافزود جواب داد - اگر این کار را

حکم من تان (؟؟) نمیدهند .